

زنان

جمعیت سیاست زده

نقد و بررسی قانون جمعیت، سیاست‌ها و وضع موجود در کشور

فاطمه امی

کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی



از جنس فرهنگ سازی می بینیم اما به دلیل آن که عوامل فرهنگی ضد جمعیتی هنوز در جامعه موجود است، اثرگذاری کافی ندارند. مانند برخی تولیدات رسانه‌ای و فیلم‌ها که هنوز در حال انتشار و دست به دست شدن بین مردم هستند و در کمال تعجب می بینیم که بر مبنای سیاست‌های پیشین و کنترل جمعیتی است.

برخی فکر می کنند بحران جمعیت در آینده اتفاق خواهد افتاد اما واقعیت این است که کشور ما همین الان دچار این بحران شده است زیرا نرخ باروری به کمتر از حد جایگزینی رسیده و اگر حالا به فکر نباشیم، در آینده با تبعات آن روبه رو خواهیم شد. سیاست‌های فعلی مادر حوزه جمعیت غالباً در بخش مشوق‌های مالی خلاصه شده است. گاهی فعالیت‌هایی نیز

اجتماعی و زندگی جامعه را تغییر داده است. مردمی که قبلاً نیازهای خود را به صورت اجتماعی رفع می کردند، حال باید هزینه اقتصادی پرداخت کنند. تنها یک مثال بارز می تواند موضوع را برایتان جا بیندازد: زندگی آپارتمانی و شهری امروز ما باعث شده تا کودک همیشه داخل خانه باشد. پیش‌تر اقوام و همسایه‌ها کمک دست مادر بودند یا کودک بخشی از روز را در کوچه مشغول بود اما الان تمام وقت در خانه است و مادر در خدمت او، آن هم در خانه‌های قوطی کبریتی بدون حیاط. مادر برای دسترسی به پزشک باید تا آن سرشهر برود در حالی که وسایل حمل و نقل عمومی شرایط حضور مادر و فرزندانش با کالسکه را ندارد، پس او باید یک روز کامل خود را در ترافیک به آن سر شهر برود، دست تنها.

بنابراین سیاست‌های دولت در حوزه مسکن، سلامت، شهرسازی و... توانسته به صورت غیرمستقیم بر فرزندآوری تأثیر بگذارد.

الان در چه وضعیتی هستیم؟

سؤال دیگری که این روزها افکار عمومی را مشوش کرده، این است که آیا در چند سال اخیر بودجه و انرژی دولت در مسیر نادرست اتلاف شده و آیا پراکندگی نظرات و فعالیت‌ها در موضوع جمعیت باعث شده سیاست‌های فعلی هیچ تأثیری نداشته باشند؟

سیاست‌های مشوق مالی که در حال حاضر طبق قانون جوانی جمعیت در حال اجرا است، تا حدودی بر گروهی از جامعه اثر گذاشته اما نمی‌توان گفت تمام جامعه هدف را نشانه گرفته است. در واقع به نظرمی‌رسد تا زمانی که مسأله جمعیت ریشه‌یابی نشود و گفتمان علمی و صحیح جمعیتی در کشور تولید نشود، ما به اهداف جمعیتی مورد نظر خود نخواهیم رسید.

طبق ماده یک قانون جوانی جمعیت، ستاد ملی جمعیت وظیفه دارد سالانه گزارش عملکردی منتشر کند که در آن فعالیت‌های حوزه جمعیت را نسبت به بودجه اختصاص یافته ارزیابی کند. همچنین یکی دیگر از وظایف این ستاد پایش مستمر تغییرات جمعیتی کشور با مشارکت مرکز آمار است. حال دو سال از تصویب این قانون می‌گذرد و ما از ستاد جمعیت جز ارائه مختصری از گزارش جلسات برگزار شده، چیزی ندیده‌ایم. حتی همان گزارش جلسات ستاد جمعیت که هر سه ماه یک بار تشکیل می‌شود شامل سخنرانی رئیس جمهور به عنوان رئیس ستاد ملی جمعیت است که صرفاً به بیان اهمیت و تأکید بر مسأله جمعیت می‌پردازد.

از سوی دیگر در حال حاضر نهاد متمرکز دیگری به پایش آماری موضوع جمعیت

مشکل جمعیت کجاست؟

به نظرمی‌رسد در حوزه جمعیت کارشناسان و مسئولان به وحدت نظر نرسیده‌اند. برای تبیین این تشنگی بهتر است به نظریه‌ها و سیاست‌هایی که این روزها در کشور اجرا می‌شود، مراجعه کنیم. برخی از مسئولان و کارشناسان هنوز جمعیت را مسأله و بحران نمی‌دانند. بنا بر این؛ جمعیت در حوزه سیاست‌گذاری، بررسی و تولید گفتمان برای آنها اولویت ندارد. گروه دیگری که به اهمیت و بحرانی بودن مسأله جمعیت در کشور پی برده‌اند؛ استدلال‌های متفاوتی از ریشه این موضوع ارائه می‌کنند. برخی ریشه مشکل را فرهنگی و برخی دیگر آن را اقتصادی می‌دانند. بدیهی است که هر گروه، شروع به سرمایه‌گذاری در حوزه‌ای می‌کند که به نظرش ریشه مسأله جمعیت است. در این بین این سه گروه که شامل کارشناس، مسئول و فعال حوزه جمعیت می‌شوند؛ جدا از هم مشغول فعالیت هستند. البته بخشی از انرژی آنها نیز صرف انکار گروه‌های دیگر و بازی‌های سیاسی برای کنار زدن دیگران می‌شود. همان‌طور که در برکناری رئیس مؤسسه تحقیقات کشور، که تنها مؤسسه پژوهشی این حوزه است، شاهد بودیم.

فرهنگ یا اقتصاد؟ مسأله این است!

گروهی که ریشه کاهش جمعیت در ایران را تغییرات فرهنگی جامعه می‌دانند، از یک نکته مهم غفلت کرده‌اند که در اکثر کشورها، کاهش جمعیت طی ۷۰ تا ۱۰۰ سال اتفاق افتاده است؛ زمانی که برای تغییرات فرهنگی و عمیق شدن تفکرات کاهش جمعیتی کافی است اما در ایران تغییرات جمعیتی و کاهش نرخ باروری در مدت ۱۰ سال از عدد ۶ فرزند به ازای هر زن به وضعیت امروز یعنی ۱.۶ فرزند به ازای هر زن رسید. متخصصان حوزه فرهنگی بهتر می‌دانند که در ۱۰ سال نمی‌توان فرهنگ یک جامعه را تغییر داد. در مقابل افرادی که ریشه را صرفاً اقتصادی می‌دانند، جوابی برای سؤالاتی از این قبیل که «چرا مناطق محروم نرخ باروری بالاتری دارند؟» یا «چرا ثروتمندان جامعه فرزند کمتری دارند؟» پیدا نمی‌کنند. مسأله جمعیت ابعاد مختلفی دارد اما شواهد نشان می‌دهد که مشکل ما صرفاً و فقط از جنس تغییرات فرهنگی نیست. از طرفی اعطای وام، ماشین و خانه هم کمک زیادی به فرزندآوری نکرده است. پس مشکل کجاست؟

تغییرات سرنوشت‌ساز

تغییرات نرخ باروری در ایران نشان می‌دهد، عامل کاهش نرخ باروری سیاست‌های دولت‌ها بوده است؛ دولتی که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی اش ساختارهای

